

بازخوانی تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۸

سهیلا پیروزفر؛ دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد
زهرا طالبی؛ کارشناس ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده:

تفسیر موضوعی باهدف کشف دیدگاه‌های قرآن در مسائل مختلف اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و ... به‌مثابه روشی نو در فن تفسیر به‌شمار می‌آید و اصطلاح جدیدی است که در قرن اخیر و در پرتو نهضت رجوع به قرآن کریم به بار نشسته است. هرچند در پیشینه تاریخی آن، به شکل‌های دیگری مطرح بوده است.

آیت‌الله جوادی آملی ازجمله مفسرانی است که در این زمینه، تلاش علمی نموده و از آثار قلمی و بیانی ایشان مجموعه نفیس «تفسیر موضوعی قرآن کریم» تدوین و عرضه شده است. این نوشتار جهاد علمی این مفسر را در ابعاد مختلف روش تفسیر موضوعی محور تحقیق خود قرار داده تا ضمن معرفی این مجموعه و ارائه مدلی برای رویکرد موضوعی به تفسیر آیات، گامی در جهت دستیابی به روش صحیح تفسیر موضوعی بردارد.

کلیدواژه‌ها: تفسیر موضوعی، جوادی آملی، مبانی تفسیر، مراحل تفسیر.

مقدمه:

آیت الله جوادی آملی از چهره‌های شاخص فن تفسیر در عصر حاضر است که با جامعیت علمی و عمق نگری نسبت به آموزه‌های قرآنی توانسته است در هر دو روش ترتیبی و موضوعی، سهم وافری ایفا کند و همچون استاد خود - صاحب‌المیزان - سفره معارف قرآنی را به روی مشتاقان بگستراند.

این مقاله مراحل و روش تفسیر موضوعی استاد جوادی آملی را مورد بررسی قرار داده است. از آنجا که محور اصلی و گام نخستین در تفسیر موضوعی، انتخاب موضوع است، دامنه موضوعات و شیوه انتخاب موضوع در این مجموعه مد نظر قرار گرفته سپس به مبانی تفسیر موضوعی و مراحل آن از منظر استاد و تطبیق آن با شیوه کار ایشان در متن تفسیر موضوعی، جایگاه تفسیر ترتیبی در فهم آیات گزینش شده با اصول متعارف تفسیری و سرانجام به گرایش و رویکرد مفسر و تأثیر آن در تفسیر آیات و تبیین موضوعات اشاره شده است.

هدف این تحقیق پس از شناسایی مبانی و شیوه مفسر عالی‌قدر در روش مزبور، فراهم آوردن بستری برای معرفی این مجموعه از یک سو و تفسیر موضوعی از سوی دیگر است.

۱. تفسیر موضوعی در اصطلاح

واژه «وضع» به معنای گذاردن شیئی در مکان است^۱ و «مَوْضُوعُ الْعِلْمِ» یعنی آنچه در عوارض ذاتی آن بحث شود، «مَوْضُوعُ الْكَلَامِ»، به موضوع سخن و گفتگو گفته می‌شود.^۲ بنابراین موضوع هر علم، محور بحث آن علم است.

موضوع تفسیر؛ «قرآن» و هدف آن فهم و توضیح مفاهیم و مقاصد آیات است و در تفاسیر موضوعی یکی از عناوین اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، تربیتی و... بر قرآن عرضه و با بررسی تک تک آیات و مجموعه آن‌ها به جستجوی دیدگاه قرآن درباره آن موضوع پرداخته می‌شود؛ بنابراین هدف در این نوع تفسیر، دستیابی به نظر نهایی و جامع قرآن

درباره موضوعی خاص، رفع ابهام و پاسخگویی به شبهات و پرسش‌های مطرح است. مصطفی مسلم درباره اصطلاح موضوع در تفسیر موضوعی می‌نویسد: «قضیه یا امری مربوط به امور زندگی اعتقادی یا رفتار اجتماعی یا مظاهر طبیعی که آیاتی از قرآن به آن پرداخته است.»^۳ شهید صدر که از صاحب‌نظران و مفسران این عرصه است، پس از تقسیم تفسیر به ترتیبی و موضوعی درباره تفسیر موضوعی می‌نویسد: در این روش اهتمام مفسر بر آن است تا «یکی از موضوعات اعتقادی، اجتماعی یا هستی‌شناسی را تحلیل و بررسی کند، مانند عقیده توحید در قرآن یا نبوت در قرآن یا مکتب اقتصادی قرآن یا سنن تاریخی قرآن یا آسمان‌ها و زمین در قرآن و امثال آن. هدف تفسیر توحیدی یا موضوعی، از انجام این پژوهش‌ها، تعیین دیدگاه نظری قرآن کریم و نهایتاً نظر اسلام درباره موضوعی از موضوعات زندگی یا هستی است.»^۴ آیت الله مکارم شیرازی نیز در تعریف تفسیر موضوعی می‌نویسد: «آیات مختلفی که درباره یک موضوع در سرتاسر قرآن مجید در حوادث و فرصت‌های مختلف آمده است، جمع‌آوری و جمع‌بندی گردد و از مجموع آن، نظر قرآن درباره آن موضوع و ابعاد آن روشن گردد.»^۵ فهدالرومی می‌گوید: «تفسیر موضوعی عبارت است از جمع‌آوری آیات قرآن که از قضیه یا موضوع واحد سخن می‌گویند و تفسیر آیات جمع‌آوری شده و استنباط حکم مشترک از آن‌ها و کشف مقاصد قرآن در آیات.»^۶ در همه این تعاریف به مراحل تفسیر موضوعی، یعنی گردآوری آیات مرتبط با موضوع، تفسیر آن‌ها و کشف دیدگاه قرآن، اشاره شده است.

به‌هرروی این روش تفسیری از عناصر و مؤلفه‌هایی برخوردار است که توجه به آن‌ها ماهیت تفسیر موضوعی را آشکار می‌سازد که عبارت‌اند از:

۱. وجود موضوع یا قضیه واحدی که مباحث تفسیری پیرامون آن مطرح می‌شود.
۲. پیمودن مراحل که خاص تفسیر موضوعی است و پژوهش و تحقیق بر آن‌ها استوار است.

۳. ارائه دیدگاه قرآن کریم در مورد موضوع منتخب که مشخصه غایی تفسیر موضوعی به شمار می‌آید.

بنابراین در یک تعریف کلی می‌توان گفت: تفسیر موضوعی عبارت است از عرضه موضوع واحد بر قرآن کریم که پس از طی مسیر و پیمودن مراحل، نظر قرآن درباره موضوع موردنظر استخراج می‌شود.

امین الخولی در مقاله «تفسیر» تفسیر موضوعی را کارآمدتر از سایر شیوه‌های تفسیری معرفی کرده است: «ترتیب آیات قرآن در مصحف موجود از وحدت موضوعی و ترتیب زمانی نزول قرآن برخوردار نیست و گاهی سخن از امر و موضوع واحد در سیاق‌ها و جایگاه‌های متعددی پراکنده شده که در شرایط مختلف نازل شده‌اند و این ویژگی بیانگر آن است که قرآن باید موضوع به موضوع تفسیر شود؛ یعنی آیات مخصوص به یک موضوع به‌طور کامل از سراسر قرآن جمع‌آوری شود و ترتیب زمانی و اسباب نزول و ویژگی‌های خاص هر یک از آیات شناخته شود، سپس در آیات برای تفسیر و فهم بهتر تأمل شود، چنین تفسیری در دریافت معنا کارآمدتر و قابل‌اعتمادتر است ... پس دیدگاه درست آن است که قرآن به شیوه موضوع به موضوع تفسیر شود نه به شیوه ترتیبی.»^۷

وی با عنایت به ساختار خاص قرآن - یعنی پراکندگی یک موضوع، در آیات متعدد در سرتاسر قرآن - تفسیر موضوعی را راه‌حل مناسبی برای جمع‌آوری آیات پراکنده و کنار هم قرار دادن آن‌ها و دریافت کارآمدتر و قابل‌اعتمادتر معنا می‌داند.

۲. پیشینه تفسیر موضوعی

گرچه این روش تفسیری پدیده‌ای نو به شمار می‌آید؛ اما نمونه‌های این شیوه در میراث تفسیری کمابیش دیده می‌شود که از جمله می‌توان در روایات تفسیری اهل‌بیت علیهم السلام نمونه‌های تفسیر قرآن به قرآن درباره موضوعی خاص را مشاهده کرد.^۸ به‌طورکلی این شیوه تفسیری در سیر تاریخی خود دو دوره و مرحله را پشت سر گذاشته است:

۱-۲. مرحله آغازین و ابتدایی

تفسیر موضوعی در این مرحله در شکل‌های زیرنمایان شده است:

تفسیر آیات الاحکام- مانند احکام القرآن محمد بن صائب کلبی و زبده البیان محقق اردبیلی- تفاسیر لغوی و نیز کنکاش‌های لغوی در قالب وجوه و نظایر و مفردات قرآنی و بالاخره آثاری با عنوان ناسخ و منسوخ، مجاز در قرآن، امثال قرآن، اسباب نزول و محکم و متشابه در قرآن و ... از گذشتگان برجای مانده که در زمره تفاسیر موضوعی به شمار آمده‌اند و در واقع مرحله ابتدایی و گام‌های اولیه این روش تفسیری هستند.^۹ که به‌هرروی پیرامون موضوع واحدی گردآمده‌اند.

۲-۲. مرحله رشد و پویایی

تجدد و تحول در تفسیر قرآن از ره آورده‌های نهضت بازگشت به قرآن در قرن چهاردهم است که علاوه بر فزونی نگاهشده‌های تفسیری از هر مشرب و مکتبی در شیوه تفسیر نگاری نیز تحولاتی روی داد.^{۱۰} در بستر چنین حرکتی، آثار و تألیفاتی نگاهشده شد که به لحاظ ساختار، روش، تحلیل و نگرش با آثار دوره‌های پیش متفاوت است. تفسیرهای موضوعی نگاهشده شده در این عصر، از همین طیف به شمار می‌روند. در واقع جریان اصلاح‌طلبی که به دنبال رکود چند قرنی تمدن اسلامی صورت گرفت، به نیکی دریافت که تغییرات و تحولات و حل و رفع مشکلات و موانع پیشرفت و توسعه تنها در سایه‌سار نظرگاه‌ها و رهنمودهای قرآن ممکن است.

برخی از این آثار که با عنایت به گستره موضوعات قرآنی و به شکل جامع و فراگیر تألیف شده‌اند، عبارت‌اند از: دو مجموعه «مفاهیم القرآن» و «منشور جاوید قرآن» اثر استاد جعفر سبحانی. «تفسیر موضوعی قرآن» اثر استاد عبدالله جوادی آملی، «پیام قرآن» زیر نظر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی. معارف قرآن آیت‌الله مصباح یزدی و «التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم» سمیع عاطف زین از دانشمندان اهل سنت.

بسیاری از تألیفات در این حوزه نیز به صورت تک‌نگاری نگاشته شده‌اند از جمله: «المدرسه القرآنیه» تألیف سید محمد باقر صدر و «دستور الاخلاق فی القرآن» اثر محمد عبدالله دراز و آثار دیگر.

در این حوزه بد نیست از تفاسیری که به ارتباط میان دو یا چند موضوع پرداخته‌اند، مانند جامعه و تاریخ - مصباح یزدی - یا رابطه ایمان و عمل صالح و... یاد شود.

۳. تفسیر موضوعی در نگاه آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی از جمله مفسرانی است که در این افق جدید تفسیری قدم گذاشته و تاکنون مجموعه‌ای هجده‌جلدی از آثار قلمی و بیانی ایشان تدوین یافته است. وی ورود و خروج مفسر در تفسیر موضوعی را در شش مرحله عنوان می‌کند که در مباحث بعد به آن اشاره خواهد شد.

۳-۱. جایگاه تفسیر ترتیبی در تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی

- تفسیر ترتیبی مقدم بر تفسیر موضوعی است

برخی از دانشمندان تفسیر موضوعی را مقدم بر تفسیر ترتیبی دانسته و به تفسیر ترتیبی از آن رو که دیدگاه نهایی قرآن را به دست نمی‌دهد و تصویری ناقص از موضوعات قرآنی را ترسیم می‌کند، خرده گرفته‌اند؛^{۱۱} اما به باور آیت‌الله جوادی آملی، تفسیر موضوعی گامی پس از تفسیر ترتیبی است و آشنایی با مفاد و مضمون تمام آیات قرآن در پرتو تفسیر ترتیبی، سرمایه اولیه مفسر و محقق است که به وادی تفسیر موضوعی قدم می‌گذارد: ایشان می‌فرماید: «در سیر آموزش قرآنی، تفسیر موضوعی بعد از تفسیر ترتیبی است. انسان ابتدا باید به نحو ترتیب در خدمت قرآن کریم باشد. یعنی از اول تا آخر قرآن را به نوبه خود بررسی نموده و حضور ذهنی و علمی داشته باشد که اگر آیه‌ای از قرآن مطرح شد، بعیدالذهن از آن نباشد، آنگاه پس از آشنایی مضمون آیات و با سرمایه تفسیر

ترتیبی، موضوعی از موضوعات را انتخاب کرده و درباره آن بحث کند...»^{۱۲}
به نظر می‌رسد نویسندگان تفسیر موضوعی با اینکه تفسیر ترتیبی را مقدمه تفسیر موضوعی دانسته‌اند؛ ولی برای دستیابی به نظر جامع قرآن در یک موضوع و پرهیز از یکسویگری که نتیجه برداشتی ناقص از موضوعات قرآنی است تفسیر موضوعی را کارآمدتر می‌دانند.^{۱۳}

۲-۳. مبانی تفسیری موضوعی

واژه «مبانی» جمع مبنا از ریشه «ب ن ی» و به معنای بنیاد، شالوده و پایه و زیرساختی است که عمارت و بناء بر آن مبتنی است.^{۱۴} در واقع مبانی هر علم متضمن پایه‌ها، اصول بنیادی و پیش‌فرض‌هایی است که ساختار اصلی آن علم را شکل می‌دهند.

منظور از مبانی تفسیر موضوعی، مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های اساسی در این حوزه است که پشتوانه نظری تفسیر موضوعی قرآن را تشکیل می‌دهند و چگونگی نیل به تبیین موضوعات و استنباط دیدگاه قرآن وابسته به آن‌ها است و با شرط عدم تحمیل بر کلام الهی در فرایند تفسیر راهگشا و سودمند خواهند بود.^{۱۵}

پرداختن به مبانی روش موضوعی تفسیر قرآن، از آن جهت حائز اهمیت است که بر اساس آن‌ها می‌توان به گونه‌ای ضابطه‌مند به فهم و تبیین موضوعات در نگاه قرآن دست یافت. برخی از این مبانی با مبانی تفسیر ترتیبی یکسان است از جمله: اعتقاد به وحیانی بودن قرآن، مصونیت از تحریف، جاودانگی آن، وجود محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید، هدفمندی و هدایتگری آیات و سور و نبود هیچ نوع تعارضی در آیات و... از جمله مهم‌ترین مبانی مفسر در تفسیر موضوعی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۳-۱. توانمندی و جامعیت قرآن در تبیین موضوع و ابعاد آن

مراد از جامعیت در اینجا بیان کامل و همه‌جانبه مسائل یا به عبارتی نگاه فراشمول و جامع‌نگر قرآن درباره یک موضوع و منظور از توانمندی، توانایی قرآن در ارائه پاسخ به مسئله یا موضوع یا بیان دیدگاه آن در حد کافی و وافى و به بهترین وجه است.

همان‌طور که بیان شد، استاد قائل به جامعیت قرآن در محدوده هدایت یا نیازهای مرتبط با سعادت بشر است، یعنی معتقد است هر آنچه برای سعادت انسان در زندگی دنیوی و اخروی و مادی و معنوی او موردنیاز است در گنجینه قرآن یافت می‌شود. در نتیجه، ایشان غالباً موضوعاتی را به محضر قرآن عرضه داشته که در شأن رسالت قرآن است، موضوعاتی که فهم آن‌ها مبدأ و راه و مقصد آدمی را در پهنه هستی ترسیم می‌کند.

با عنایت به این مطلب، پیش‌فرض ایشان این است که قرآن کریم با نگاهی جامع و از زوایای متعدد، موضوع انتخابی را تحلیل نموده و در ارائه پاسخ به مسئله و موضوع یا تبیین دقیق و عمیق آن توانمند است.

بر پایه این باور، موضوعی مانند توحید یا معاد یا نبوت را در سرتاسر قرآن کریم، جستجو نموده و از کنار هم قرار دادن آیات ناظر به موضوع، طی فرایندی به دنبال ارائه نگاه جامع قرآن است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳-۲-۲. انسجام محتوایی آیات

پیوند معنایی یا انسجام محتوایی آیات^{۱۶} از پیش‌فرض‌های مسلم در تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر موضوعی است؛ زیرا تتبع در آیات هم مضمون در تفسیر قرآن به قرآن با هدف کشف معنای آیه و در تفسیر موضوعی با هدف تبیین و تحلیل موضوع موردنظر و کشف دیدگاه قرآن از ورای آن، گام اساسی مفسران این دو حوزه تفسیری است. بنابراین اصل بنیادی در هر دو روش اعتقاد به انسجام محتوایی و پیوند معنایی آیات است.

استاد جوادی آملی هم بنیان تفسیر خود را بر اساس مبنای مزبور پی‌ریزی نموده و از جمله

به آیه ﴿اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي﴾ استناد نموده است؛^{۱۷} زیرا صفت مثنائی، برای قرآن بدین معنی است که آیات قرآن نسبت به هم منعطف و متمایل هستند.^{۱۸} بنابراین در تفسیر موضوعی، برای دریافت یک تصویر کامل از مفاهیم ارزشی یا بینشی قرآن مانند میدانشناسی، انسان‌شناسی، آخرت‌گرایی، پیامبرشناسی و ... راه صحیح این است که آیات گوناگون مربوط به هر موضوع را همچون اعضای یک پیکر، کنار هم بگذاریم^{۱۹} و این امر بر پایه این باور است که میان آیات الهی، سازگاری درونی وجود دارد و این اصل مسلم و مقبول، نگاه مجموعی به آیات را به دنبال دارد.

۳-۲-۳ محوریت قرآن در تفسیر موضوعات

به دلیل پیوند عمیق قرآن و سنت حدیث از مقدمات ضروری ورود به تفسیر به شمار می‌آید. یکی از باورهای مفسر گران‌قدر نیز این است که ثقل اصغر در تبیین موضوعات جایگاه ویژه‌ای دارد، ایشان تفسیر موضوعی را در شش مرحله توضیح می‌دهد که دو مرحله آن یعنی مرحله سوم و چهارم، به جمع‌آوری روایات مرتبط با موضوع و جمع‌بندی آن‌ها اختصاص دارد، وی در مقام نظر، مقصد تفسیر موضوعی را کشف دیدگاه اسلام می‌داند و تأکید می‌کند که وقتی موضوعی بر قرآن کریم عرضه می‌شود از آنجاکه عترت و قرآن از هم جدا و منفک نیستند، بنابراین آن موضوع بر قرآن و عترت عرضه می‌شود و از مجموع این دو، نظر اسلام به دست می‌آید.^{۲۰} اما با تورقی در این مجموعه تفسیری چنین دریافت می‌شود که هرچند از روایات در کنار آیات بسیار استفاده شده؛ اما محوریت با آیات قرآن است. وی در تفسیر گران‌قدر تسنیم استقلال قرآن را از سه جنبه، در اصل حجیت، دلالت ظواهر و در ارائه خطوط اصلی و کلی دین دانسته و می‌نویسد:

قرآن عهده‌دار تبیین خطوط کلی دین است و سنت عهده‌دار «تبیین حدود و جزئیات و

تفصیل احکام»^{۲۱}

به اعتقاد او بهره‌گیری از روایات^{۲۲} در تفسیر برای خروج از سطح ظاهری قرآن و فهم بهتر پیام‌های آن مفید و بلکه ضروری است.^{۲۳} قرآن خود مفسر خویش است و نیازی به سنت برای تفسیر خود ندارد. نقشی که سنت ایفا می‌کند، بازشناسی همین روش است. به عبارت روشن‌تر، سنت چیزی را از پیش خود به‌عنوان تبیین قرآن مطرح نمی‌کند، بلکه با استفاده از خود قرآن به تبیین مراد آن می‌پردازد. در واقع سنت با قرآن، قرآن را تفسیر می‌کند. بر این اساس، تمام ابهامات قرآن، در این کتاب پاسخ گفته شده است؛ با این تفاوت که گاه ما کیفیت استخراج آیت‌هایی را که نقش ابهام‌زدایی دارد، نمی‌شناسیم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌س‌آلهم‌و‌آلهم‌صلوات‌الله‌علیهم‌جمعاً؛ اهل بیت علیهم‌السلام این دسته از آیات را از قرآن استخراج کرده، به دست ما می‌دهند؛ به عبارت دیگر، تبیین رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌س‌آلهم‌و‌آلهم‌صلوات‌الله‌علیهم‌جمعاً نیست، بنابراین روایات تفسیری شیوه‌های بهره‌گیری از قرآن را برای تبیین کتاب الهی می‌آموزد.^{۲۴}

از این رو در تفسیر «سیره انبیاء در قرآن» یا «هدایت در قرآن» یا «ادب توحیدی انبیاء در قرآن» حضور بسیار کم‌رنگ روایات موضوعی احساس می‌شود. البته می‌توان اعتقاد مفسر به استقلال دلالتی قرآن^{۲۵} و احتیاط در نقل احادیث^{۲۶} را از دلایل رویداد مزبور در این مجموعه دانست؛ اما مسلم این است که به باور مفسر روایات به‌عنوان گزینه منفصله در فهم موضوع و بیان تفصیلی آن مؤثرند.

۳-۲-۴. قرآن میزان حق و باطل

قرآن کریم بر اساس آیات ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ وَ مَا هُوَ بِالْهَزْلُ﴾ (طارق: ۱۴-۱۳) فصل الخطاب است؛ یعنی معیار و میزانی است که عقاید و آرای بشری را توزین می‌کند تا صحت و بطلان آن‌ها مشخص شود.^{۲۷} در واقع «وحی به دلیل عصمتی که دارد میزان برای تمام مکاتبی خواهد بود که تا قیامت ظاهر می‌شوند.»^{۲۸} از سویی در تفسیر موضوعی به دلیل اینکه موضوع منتخب با نگاه به کل قرآن از جنبه‌ها و وجوه مختلف تحلیل و تبیین می‌شود در نتیجه در پرتو این نگاه مجموعی، آنچه از آموزه‌ها و معارف وحیانی برداشت می‌شود به

حقیقت نزدیک تر است.

برای نمونه - چنانکه گفته شد - ایشان وقتی موضوعی مثل معرفت‌شناسی را به روش موضوعی تفسیر می‌کند که جریان‌های فکری وارداتی و جدید غرب پیرامون این مسئله در جامعه ترویج داشته، بنابراین وی به دنبال ارائه نگره قرآنی - اسلامی، در باب این موضوع است تا بر روی همه جریان‌های معرفتی نوین مخالف قرآن، خط بطلانی بکشد.

در نتیجه، مفسر بر آن است که در بستر این روش تفسیری می‌توان به فهم صائبی از پیام وحی در موضوعات و مسائل متعدد دست یافت و آن را معیاری برای اثبات حق یا ابطال دیدگاه‌ها و آراء و افکار باطل مکتب‌ها و مذهب‌های مختلف بشری قرارداد.

۳-۲-۵. تفسیر ترتیبی پشتوانه تفسیر موضوعی

در تفسیر ترتیبی، آیات به ترتیب مصحف و در جایگاه خود در کنار آیات قبل و بعد تفسیر می‌شوند. این اشکال مطرح می‌شود که در تفسیر موضوعی، آیات هم مضمون که در سرتاسر قرآن کریم پراکنده شده‌اند از موضع اصلی خود تقطیع و جدا شده و در چیدمان دیگری که برگرفته از اجتهاد مفسر است، قرار می‌گیرند.

و «اگر جایگاه آیه را در نظر نگیریم و مجرد از ماقبل و مابعد، به آن پردازیم و با آیات دیگری که آن‌ها هم مجرد از ماقبل و مابعد خود شده کنار هم قرار دهیم، آیا همان معنایی را خواهند رساند که این آیه را در ارتباط با طرح کلی و ترتیبی قرآن در نظر می‌گیریم؟

...»^{۲۹}

چنان‌که پیش‌از این بیان شد با بررسی این مجموعه تفسیری می‌توان گفت: یکی از مبانی مقبول و بنیادی مفسر این است که تفسیر ترتیبی پشتوانه و تکیه‌گاه تفسیر موضوعی است، بدین معنا که مفسر موضوعی ابتدا باید مجهز به سرمایه تفسیر ترتیبی شود و نسبت به مضمون و معنای آیات از اول تا آخر قرآن، حضور ذهنی و علمی داشته باشد، آنگاه قدم به وادی تفسیر موضوعی بگذارد تا در مقابل آیات مرتبط با موضوع، بعیدالذهن نباشد.^{۳۰}

۳-۲-۶. ذو وجوه بودن آیات قرآن

به این معنا که ممکن است آیه ای از قرآن در رویکرد تفسیر ترتیبی و در سیاق آیات حامل پیامی باشد؛ همان آیه با خارج شدنش از سیاق و انضمام آن به آیه ای دیگر حامل معنایی دیگر باشد.^{۳۱}

۴-۱. شیوه بهره‌گیری از تفسیر ترتیبی

۴-۱-۱. یافتن آیات هم مضمون

از نظر آیت الله جوادی آملی نقش تفسیر ترتیبی در گزینش و جمع‌آوری آیات، حائز اهمیت است؛ زیرا منابعی مثل «المعجم» و «کشف‌المطالب» فقط آیاتی را به مفسر نشان می‌دهند که لفظ مشترکی با موضوع منتخب داشته باشند، درحالی‌که پاره‌ای از آیات پیوند محتوایی با موضوع دارند و گزینش آن‌ها به مدد آگاهی مفسر از مفاد مضمون تمام آیات است. به عبارت بهتر کشف و گردآوری آیات با پشتوانه تفسیر ترتیبی آیات میسر است: «اینکه گفته شد تفسیر ترتیبی مقدم بر تفسیر موضوعی است، به خاطر آن است که اگر کسی خواست موضوعی را از نظر قرآن کریم بررسی کند، هرگز نمی‌تواند در محدوده «المعجم» یا «کشف‌المطالب» موضوعی را از قرآن استنباط کند و آن را به قرآن استناد دهد؛ چون خیلی از مسائل مربوط به آن موضوع با لغت ویژه آن موضوع بیان‌نشده است تا المعجم بتواند آن را ارائه نماید...»^{۳۲}

۴-۲-۱. فهم صحیح آیات

فایده دیگر تقدم تفسیر ترتیبی بر تفسیر موضوعی، فهم آیات جمع‌آوری شده است؛ زیرا اگرچه در تفسیر موضوعی، آیات از قبل و بعد خود یا به عبارتی از جغرافیای طبیعی سوره جدا می‌شوند؛ اما اگر عالم به تفسیر ترتیبی باشد، این جدایی به فهم مدلول یکایک آیات صدمه نمی‌زند. آقای جوادی آملی به این مطلب نیز تصریح می‌کند:

«اگر کسی خواست تفسیر موضوعی بگوید یا بنویسد، اگر آیه‌ای، موضوع موردنظر را در

برداشت، آن آیه را نباید منهای سیاق قبل و بعد بنگرد. باید سیاق و خصوصیت‌های موردی آیه را در نظر داشته باشد تا بگوید که: این آیه فلان مطلب را تا این حد بیان می‌کند. بنابراین، تفسیر موضوعی بدون تفسیر ترتیبی میسر نیست. زمانی ممکن است انسان موضوع شناس باشد و موضوعی را از قرآن کریم استنباط کند، که اول تفسیر ترتیبی را گذرانده باشد و هر آیه‌ای را با ملاحظه صدر و ذیل آن بحث در نظر بگیرد.^{۳۳}

ملاحظه می‌شود که برخلاف موضع‌گیری مخالفان تفسیر موضوعی، که بی‌توجهی به سیاق و جدا کردن آیات از جایگاه اصلی خود در سوره را از آسیب‌ها و اشکالات این روش تفسیری می‌دانند.^{۳۴} اما استاد جوادی آملی، بر فهم آیه با عنایت به سیاق و در بستر تفسیر ترتیبی تأکید می‌کند.

۴-۳-۱. انتخاب موضوع

افزون بر آن، دانش تفسیر ترتیبی در چگونگی انتخاب موضوع و جمع‌بندی آیات نیز به یاری مفسر آمده است؛ زیرا موضوعاتی را برگزیده و در بستر تفسیر موضوعی بر قرآن کریم عرضه کرده که قرآن از ابعاد و زوایای مختلف آن را تبیین نموده است. در واقع موضوع شناسی به این معنا که قرآن کریم به کدام موضوعات اهتمام ویژه و نگاهی جامع داشته است، در پرتو تفسیر ترتیبی و آگاهی از مفاهیم آیات صورت می‌گیرد.

۴-۴. چگونگی به کارگیری قواعد و منابع تفسیری

گرچه پندآموزی از قرآن برای عموم مخاطبان وحی میسر است؛ ولی دستیابی به مرتبه عالی از تفسیر و فهم آیات مرتبط با موضوع، با عنایت به قرائن و قواعد و منابعی که از دیرباز، آثار تفسیری ترتیبی با عنایت به آن‌ها نگاشته شده، امکان‌پذیر است...

پس قبل از ورود به مراحل شش‌گانه تفسیر موضوعی، بایسته است مفسر از منابع و پیش‌نیازهای ورود به تفسیر ترتیبی بهره‌مند باشد. آن‌گونه که از بررسی مجموعه تفسیری

ایشان برمی‌آید، مفسر از قرائن، قواعد و منابع بسیاری در فهم آیات گزینش‌شده و به تبع آن تبیین موضوعات موردنظر سود جست است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: معاشناسی^{۳۵} و ازگان^{۳۶}؛ توجه به سیاق^{۳۷}؛ بهره‌گیری از علوم ادبی در فهم آیات^{۳۸}؛ استفاده از اقوال و آراء سایر مفسران^{۳۹}؛ تفسیر آیه با آیه یا آیات دیگر قرآن^{۴۰}؛ بهره‌گیری از روایات^{۴۱} به‌کارگیری عقل در تبیین مفهوم آیات مرتبط با موضوع^{۴۲}.

البته در موارد بسیاری هم دیده می‌شود که آیات را بدون شرح و تفسیر گواه می‌آورد و فقط به ترجمه و توضیحی کوتاه بسنده می‌کند؛ مثلاً در تفسیر «وحی و نبوت در قرآن» در میحث «منکران وحی» آیات بدون تفسیر لیست شده‌اند، همین مطلب در بحث «ریشه‌های انکار وحی» نیز دیده می‌شود^{۴۳} و نیز در تفسیر «جامعه در قرآن» آنگاه که مسائل اجتماعی در قرآن را در عناوین کلی مطرح می‌کند، در نقل آیات، به توضیحی مختصر بسنده می‌کند.^{۴۴}

و در مواردی، از آیه فقط به منظور تأیید مطلب استفاده کرده و مفاد آن برای مخاطب شرح داده نشده است.^{۴۵}

۴-۵. گرایش مفسر در تفسیر موضوعی

«گرایش» تفسیری، رویکرد مفسر به عقیده، مذهب، تخصص علمی یا مکتب خاصی است که در تفسیر برجستگی و نمود بیشتری دارد.^{۴۶} دریافتن گرایش مفسر توجه به متن تفسیر اهمیت می‌یابد که با چه رویکردی نگارش یافته است.

به باور آیت‌الله معرفت، تفسیر موضوعی استاد جوادی آملی با رویکرد عرفانی تدوین یافته است؛^{۴۷} اما با سیری در این مجموعه، صبغه‌های گوناگون فلسفی، کلامی، عرفانی و حتی گاه اجتماعی دیده می‌شود که حاکی از جامعیت ابعاد وجودی و تبخّر وی در علوم مزبور است.

استاد جوادی آملی در عرفان نظری، صاحب‌نظر است و شرح کتاب «تمهید القواعد ابن

ترکه» با عنوان «عین نضاح»، یا «تحریر تمهید القواعد» از آثار برجسته وی در وادی عرفان به شمار می‌رود.

افزون بر آن، ایشان از شارحین بزرگ حکمت متعالیه است؛ «رحیق مختوم» که شرح اسفار اربعه ملاصدرا است، از آثار نفیس استاد در فلسفه است. در نتیجه، آیت‌الله جوادی آملی، عارف، فیلسوف و مفسر ژرف‌اندیشی است که باورهای مذهبی و ذوق و تخصص علمی ایشان در تفسیر موضوعی بی‌تأثیر نبوده است.

با توفیق در این مجموعه چنین دریافت می‌شود که ایشان یافته‌ها و اندوخته‌های کلامی، فلسفی و عرفانی، اخلاقی را ابزاری در مسیر تفسیر و تحلیل صحیح معارف قرآنی و روایی قرار داده است. به باور وی: «هر قلبی که از اندیشه‌های مستدل برخوردار است، آمادگی آن قلب برای تحمل و دریافت علوم قرآنی بیشتر است و هر چه انسان در مدرسه جهان آفرینش از آیات کتاب تکوینی خداوند بهره می‌برد و آگاه می‌شود، قدرت تحمل او نسبت به آیات کتاب تدوینی افزون‌تر می‌گردد...»^{۴۸}

از این روی، غالباً مفسر بعد از بررسی قرآنی - روایی موضوع، در جایگاهی مستقل، از اندوخته‌های علمی خود استفاده می‌کند تا موضوع در فضاهای دیگر و از زوایای مختلف تبیین شود.

هم‌چنین مشرب فلسفی وی، حکمت متعالیه است که در آن حضور فلسفه و عرفان فعال است، از سوی دیگر ایشان بر این باور است که باید عرفان نظری را با برهان‌های عقلی به مخاطب منتقل کرد: «... براهین عقلی برای عرفان به منزله ابزار منطق است نسبت به حکمت و کلام که هم با آن صحیح از سقیم جدا می‌شود و هم به وسیله آن معارف عقلی به دیگران منتقل می‌گردد و مادامی که مشهود عرفانی، معقول فلسفی نگردد، برای دیگران قابل پذیرش نیست.»^{۴۹}

برای نمونه در بحث «معرفت کنه ذات» که یکی از مباحث عرفانی است، معتقد است، شناخت معرفت ذات، برای هیچ‌کس میسر نیست و سپس دیدگاه خود را با زبان فلسفه نقل

می‌کند^{۵۰} و در جای دیگر می‌نویسد: «استمداد از مبانی متقن حکمت متعالیه میزان خوبی برای شناخت سره از ناسره در کشف و شهود عارف است.»^{۵۱}

بنابراین آنگاه که مفسر به وادی فلسفه قدم می‌گذارد از حکمت متعالیه بهره می‌برد که عرفان نیز در آن حضور دارد و آنجا که عرفان نظری را دستمایه تبیین موضوع قرار می‌دهد، از زبان حکمت متعالیه محتویات آن را انتقال می‌دهد. در نتیجه می‌توان گفت، وی با رویکرد عرفانی - فلسفی به موضوعات نگریسته است،^{۵۲} هرچند به تناسب موضوع و بحث از رویکردهای کلامی، اجتماعی، اخلاقی نیز غافل نبوده است.

نکته دیگر این‌که با توجه به مباحث پیش‌گفته روشن است که تفسیر ایشان در این مجموعه، جامع اجتهادی است؛ زیرا در تفسیر و تحلیل مباحث از ابزار و امور مختلف کمک گرفته است.

۵. مراحل تفسیر موضوعی

وی در این مجموعه به مباحث نظری پیرامون روش یا مراحل تفسیر موضوعی اشاره نکرده است؛ اما در یکی از تألیفات خود با عنوان «زن در آینه جلال و جمال» مطالبی را به‌اجمال در این زمینه مطرح کرده است؛ از نظر وی، بایسته است در تفسیر موضوعی قرآن، حداقل شش مرحله تفسیری طی شود که آغاز و انجام فرایند تبیین موضوعات، در این شش مرحله خلاصه می‌شود. گرچه ایشان مرحله استخراج آیات هم مضمون را به عنوان اولین مرحله شمرده است؛ اما به نظر می‌رسد قبل از آن یافتن و گزینش موضوع و تعیین ملاک‌هایی برای آن مهم‌ترین و اولین قدم در تفسیر موضوعی است که پس از این به آن خواهیم پرداخت.

مراحل و شیوه اجرای آن در تفسیر موضوعی

۱-۵. مرحله اول: گزینش و استخراج آیات مرتبط با موضوع

که در این مرحله بر دو نکته تأکید دارند:

۱. مفسر باید در این مرحله بر تمام آیات قرآن تسلط و اشراف داشته باشد^{۵۳} و دانایی و توانایی ذهنی خود را به کار بندد تا همه آیاتی که به نحوی با موضوع منتخب، مرتبط هستند، گردآوری کند.

۲. نکته مهم‌تر اینکه در گزینش و استخراج آیات، به پیوند مفهومی و محتوایی آیات، با موضوع مورد نظر، توجه داشته باشد.

ایشان درباره مرحله اول می‌فرماید: «آیاتی که در آن زمینه وارد شده است، جمع‌آوری کند. در این مرحله آن چنان باید حضور ذهن درباره قرآن کریم داشته باشد که به مقدار وسیع و به مقدار تکلیف، همه آیاتی که در این زمینه نظر دارند - نفیاً و اثباتاً^{۵۴} گردآوری کند و در این باره به خصوص آیاتی که لفظاً آن موضوع را در بردارند، اکتفا نکند، بلکه محتوای آیات را مورد توجه قرار دهد.»^{۵۴}

۲-۵. مرحله دوم (جمع بندی آیات جمع آوری شده)

از آنجاکه قرآن مجموعه واحدی است که هدف واحدی را دنبال می‌کند، همچنین آیات آن به محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید و... تقسیم می‌شوند، بدین روی، نگاه جمعی به آیات و عنایت به سازگاری و هماهنگی مدلول آن‌ها با یکدیگر در مقام فهم و برداشت از قرآن ضروری است.^{۵۵} استاد جوادی آملی از این قاعده لازم در فهم آیات، غافل نبوده و آن را به عنوان یک مرحله از مراحل شش‌گانه تفسیر موضوعی قرآن، مطرح نموده است: «بین این آیات جمع‌آوری شده، جمع‌بندی کند، یعنی مطلق‌ها را با مقید، عام‌ها را با خاص و مجمل‌ها را با مبین، متشابه‌ها را با محکم و بخش‌های مناسب را در کنار هم جمع‌بندی نماید تا نتایج آیات جمع‌آوری شده را به دست آورد.»^{۵۶}

۵-۲-۱. بهره گیری از آیات در تبیین موضوعات

اصلی ترین منبع در تفسیر موضوعی، قرآن کریم است، مراجعه ایشان به آیات الهی و گزینش و استفاده از آن‌ها بر اساس برخی معیارها انجام یافته است؛

۵-۲-۱-۱. گزینش آیات با نگاهی جامع به تمام ابعاد موضوع:

در بیشتر جلد‌های مجموعه تفسیر موضوعی ایشان، این ویژگی کاملاً مشهود است که هر موضوع و مبحثی که محور تفسیر قرار گرفته، بیشتر آیاتی که به نوعی ارتباط با موضوع دارند و یا به بعدی از ابعاد موضوع پرداخته‌اند از نگاه دقیق و تیزبین مفسر مغفول نمانده و زیور متن تفسیر و موجب غنای بیشتر مباحث گردیده است. مثلاً در تفسیر «هدایت در قرآن» مباحث کتاب در پنج بخش تدوین شده است:

بخش یکم: کلیاتی درباره هدایت (در نه فصل)

بخش دوم: منشأ و مظاهر هدایت خداوند (در دو فصل)

بخش سوم: انواع رسالت‌ها و هدایت‌های قرآن (در هفت فصل)

بخش چهارم: راه‌یابی انسان به هدایت قرآن (در سه فصل)

بخش پنجم: مبدأ و مظاهر ضلالت و راه‌گریز از آن (در شش فصل)

تمام این بخش‌ها و فصل‌ها که تحلیل و تفسیر بعدی از ابعاد موضوع را در بردارند، حاصل نگاه جامع مفسر در استخراج و جمع‌بندی آیات است و از سوی دیگر از توانمندی و تسلط تحسین‌برانگیز و انس دیرینه ایشان با کلام الهی حکایت دارد.

۵-۲-۱-۲. انتخاب آیاتی که نفیاً با موضوع ارتباط دارند:

بر اساس قاعده منطقی و فلسفی «تعرف الاشياء بأضدادها» که در سخنان بزرگان بارها تکرار شده، یکی از راه‌های شناخت هر چیزی آن است که از ویژگی‌های متقابل آن، آگاه

شویم.

از این روی، مفسر محترم در جمع‌آوری آیات تنها به آیات هم مضمون بسند نکرده و نوع دیگر از ارتباط را در آیاتی جستجو کرده که رابطه تقابل با موضوع و ابعاد آن دارند؛ در تفسیر موضوعی «توحید در قرآن»، بخش سوم کتاب، شامل پنج فصل است که شرک و ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجاکه شرک نقطه مقابل توحید است، بنابراین آیاتی که در این باب مطرح شده‌اند، در تقابل با موضوع تفسیر، یعنی توحید و یکتاپرستی است.

نمونه دیگر در تفسیر «هدایت در قرآن» است که در بخش پایانی کتاب ضلالت و مسائل مربوط به آن را از منظر آیات و روایات بررسی می‌کند. گاهی نیز به اهمیت این مطلب که در فهم بهتر یک موضوع سزاوار است نقطه مقابل آن نیز بررسی شود، اشاره می‌کند، مثلاً در موضعی از تفسیر خود می‌نویسد:

«برای این‌که معلوم شود مذکور خدا بودن چه اثری در انسان دارد و تا کجا وی را عروج می‌دهد، باید روشن شود منسی خدا بودن چه پیامد ناگواری در انسان دارد؛ زیرا یکی از راه‌های شناخت هر چیزی بررسی مقابل آن است.»^{۵۷}

۲-۱-۳. جمع آوری آیات با توجه به حد دلالت و میزان ارتباط آنها با موضوع و ابعاد آن:

استاد جوادی آملی معتقد است، آیات در شدت و ضعف ظهور دلالتی‌شان و در تعلیل و تأیید مطلب یکسان نیستند، پاره‌ای از آیات در حد دلیل و تعلیل و برخی دیگر در حد تأیید و کمک به مطلب‌اند.^{۵۸}

برای نمونه در تفسیر «وحی و نبوت در قرآن» در مبحث «اثبات عصمت پیامبران»، هشت دسته از آیات را گواه آورده که این طیف‌های هشتگانه در حد دلالت و میزان ارتباط با بحث «اثبات عصمت» متفاوت هستند.

مثلاً در دسته دوم، آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف: ۳ و ۲) به نظر می‌رسد ظهور دلالتی‌اش نسبت به بحث مورد نظر ضعیف باشد.^{۵۹}

یا آیه‌ای که در دسته ششم استفاده شده ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره: ۱۲۴) از نظر مفسر، همه مطالب راجع به عصمت را ثابت نمی‌کند.^{۶۰}

همچنین آیه ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾ (نساء: ۸۰) به نقل از فخر رازی آن را از قوی‌ترین دلایل، بر عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند؛ زیرا اگر خطایی از وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله سر می‌زد، دیگر اطاعت از او اطاعت از خدا به شمار نمی‌رفت.^{۶۱}

بررسی:

استفاده حداکثری و به‌جا و مناسب از آیات، بهره‌گیری از آیات یا فرازی از آن‌ها که به شاخه‌ها و ابعاد مختلف موضوع اشاره دارند و محور قرار دادن محتوی در انتخاب آیات، تقریباً در بیشتر جلد‌های مجموعه تفسیر موضوعی ایشان به چشم می‌خورد. همچنین تسلط و آگاهی - به‌قدر طاق‌بشری - نسبت به آیات قرآن کریم، از ویژگی‌های بارز استاد است که نمودهای آن به وفور در این مجموعه دیده می‌شود.

نکته دیگر اینکه گرچه وی بر گزینش آیات با محوریت محتوی تأکید دارد؛ اما این بدان معنا نیست که آیاتی که لفظ مشترک با موضوع دارند، به یک‌سو نهاده و مورد استفاده قرار نگرفته باشند، بلکه دلیل این تأکید آن است که گاهی، برخی آیات ارتباط لفظی با موضوع دارند؛ اما دارای مضمون مشترک نیستند، مثلاً اگر بخواهیم درباره موضوع «آزادی» آیاتی را از قرآن کریم استخراج کنیم و برای این کار در جستجوی آیاتی باشیم که لفظ «حرّ» به معنای آزادی در آن‌ها مطرح شده است، در این صورت حاصل کار مواجهه با آیاتی است

که مفهوم مشترک با آزادی اصطلاحی موردنظر را ندارند؛ زیرا کلمه «حرّ» در قصاص و تحریر رقبه درباره کفار آمده است.^{۶۲}

از این رو، اشتراک لفظی نمی‌تواند مبنای کار قرار گیرد؛ اما گاهی دیده می‌شود، میان برخی آیات با موضوع موردنظر پیوند لفظی و مفهومی وجود دارد، این دسته آیات هم مورد توجه مفسر بوده و در متن تفسیر استفاده شده‌اند. مثلاً در تفسیر «هدایت در قرآن» در اکثر آیات واژه «هدی» و مشتقات آن به کار رفته است.^{۶۳}

گاهی هم مفسر اظهار می‌کند که ادعای احصای کامل آیات مرتبط با موضوع را ندارد: «این مسئله که معارف اصلی دین یعنی توحید و معاد و دیگر حقایق دینی در سرشت انسان نهاده شده با هفت گروه از آیات قرآن، قابل استدلال و اثبات است؛ گرچه با فحص بالغ، اطلاع بر بیش از این تعداد نیز بعید نیست...»^{۶۴}

۳-۵. مرحله سوم (جمع آوری روایات مرتبط با موضوع)

در این مرحله، سنت به عنوان یکی از دو منبع استنباط معارف دینی مورد توجه قرار گرفته است و این بدان خاطر است که «قرآن و عترت برای ارائه دین کامل و صالح، برای اعتقاد و عمل دو ثقل متحدند.»^{۶۵}

بنابراین از نظر آیت الله جوادی آملی سومین مرحله در تفسیر موضوعی نوبت به سیره عترت طاهره می‌رسد، روایاتی که در این زمینه وارد شده - نفیاً و اثباتاً ° جمع‌آوری نموده تا چیزی از روایات فروگذار نشود، خواه راجع به گفتار آنان باشد یا ناظر به رفتار آنان.^{۶۶}

۴-۵. مرحله چهارم (جمع بندی روایات)

جمع دلالی میان روایات جمع‌آوری شده و ارائه نتایج به دست آمده از این فرایند، گام چهارم در تفسیر موضوعی است: «بین این روایات جمع‌آوری شده، جمع‌بندی کند، یعنی مطلقاً را با مقیدات، عام‌ها را با خاص، محکم‌های روایی را با متشابهات، ناسخ‌ها را با منسوخ، مجمل‌ها را با مبین بسنجد و همان کاری که در استنباط فقهی عمل می‌شود باید در هر

موضوعی انجام دهد تا بتواند نتایجی را که از بررسی روایات حاصل شده، ارائه دهد»^{۶۷}

۵-۴-۱. بهره‌گیری از روایات در تفسیر موضوعات

تأکید مفسر در این باره آن است که همه قرآن بدون مراجعه به سنت باید به عنوان میزان سنجش، روشن باشد و دارای حجیت استقلالی باشد تا سنت بر آن عرضه گردد و بعد از احراز مخالفت نداشتن آن با قرآن، حجت مستقل دیگری به عنوان سنت در کنار قرآن و عقل، قرار گیرد و آنگاه بعد از ملاحظه مجموع این سه منبع و جمع‌بندی نهایی آن‌ها می‌توان به پیام خدا و حکم قطعی الهی رسید. با توفیقی در مجموعه تفسیر موضوعی، ایشان برای ارائه تفسیری نسبتاً جامع از موضوع منتخب، در موارد بسیاری از روایات در کنار آیات به نحو مطلوب استفاده نموده است.

بهره‌گیری ایشان از روایات در متن تفسیر تنها به گردآوری روایات مرتبط با موضوع و ابعاد آن منحصر نمی‌شود، بلکه از روایات در تفسیر آیات جمع‌آوری شده نیز کمک گرفته است:

۵-۴-۲. روایات مرتبط با موضوع منتخب

گزینش و گردآوری روایات در راستای موضوع موردنظر و استفاده مناسب از آن‌ها در این مجموعه تفسیری نسبتاً برجسته است. نحوه ارائه روایات غالباً دو گونه است: گاهی ابتدا آیات را مطرح می‌کند و مورد تبیین و پردازش قرار می‌دهد و سپس روایات را موضوع سخن قرار می‌دهد. برای مثال در تفسیر «توحید در قرآن» در تبیین و تفسیر راه سوم شناخت خدا، یعنی «شناخت خدا با خدا» ابتدا آیات را گواه می‌آورد، سپس شش روایت در این باب نقل می‌کند.^{۶۸} همچنین در تفسیر «وحی و نبوت در قرآن» پس از آنکه آیات وابسته به موضوع «اثبات عصمت پیامبران» را در هشت دسته نقل می‌کند، به روایات مرتبط با این مبحث استشهد می‌کند تا تصویر جامع‌تری از آن ترسیم شود.^{۶۹}

شیوه دیگر در بیان روایات این‌گونه است که آیات و روایات بدون دسته‌بندی و نظم

خاصی در کنار هم و به فراخور روند بحث، در متن تفسیر، استفاده شده‌اند.

به لحاظ محتوایی، غالباً روایاتی انتخاب شده‌اند که موضوعشان با آیات همخوانی دارد و در جهت غنای بحث یا روشنگری آن استفاده شده‌اند. وی روایات را در مسیر فهم بهتر آیات گزینش شده، به کار گرفته است. این روایات شامل، روایات بیان مراد^{۷۰} و یا تأویل^{۷۱} و بیان مصداق^{۷۲} آیات هستند. مفسر درباره این گونه روایات می‌گوید:

«در بسیاری از روایاتی که در تفاسیر روایی مانند نورالتقلین و برهان آمده و از آن به‌عنوان روایات تفسیری یاد می‌شود در پی تفسیر آیه نیست؛ زیرا تفسیر به معنای بیان معانی الفاظ و جمله‌های قرآن است و بیشتر آن احادیث از این قبیل نیست، بلکه در پی تطبیق آیه بر برخی مصادیق و موارد فراوانی تطبیق بر بارزترین مصداق آن است.»^{۷۳}

برخی از روایات به ظاهر، نقشی در تفسیر مفهومی آیه ایفا نمی‌کنند، به این معنا که در کلام امام معصوم علیه السلام، به آیه اشاره‌ای نشده است؛ ولی در توضیح و شرح موضوع و مراد آیه نقش مهمی بر عهده دارند؛ به عبارت دیگر، با در نظر گرفتن روایت، هدف و پیام آیه روش‌تر می‌شود.^{۷۴}

۵-۵. مرحله پنجم (ارائه اصل جامع)

درباره این مرحله می‌نویسد: «نتایج متعددی که از آیات به‌دست آمده است، به صورت یک اصل مهم درآورد، همچنین ثمرات گوناگونی که از روایات حاصل شده است، به صورت یک اصل جامع ارائه نماید.»^{۷۵}

استاد درباره اینکه مراد از «اصل جامع» چیست؟ توضیحی نمی‌دهد؛ اما می‌توان گفت در این مرحله، مفسر باید نتایج و رهیافت‌های به‌دست آمده از مراحل قبل، یعنی آنچه از جمع‌بندی آیات در مرحله دوم به دست آمده و آنچه از جمع‌بندی روایات در مرحله چهارم به دست آمده، هرکدام را به صورت یک اصل جامع یا «پیام و آموزه بنیادین» عرضه نماید.

۵-۶ مرحله ششم (جمع بندی نهایی میان نتایج بدست آمده از آیات و روایات) «در این مرحله بین نتایج به دست آمده از قرآن و ثمرات استنباط شده از روایات جمع بندی نهایی بنماید تا با هماهنگی قرآن و عترت، یک مطلب را استنباط کند.»^{۷۶} جمع بندی میان فهم های استنباط شده از قرآن و سنت، مرحله ششم تفسیر موضوعی است. برخی معتقدند تفسیر موضوعی عهده دار کشف دیدگاه قرآن درباره یک موضوع است؛^{۷۷} اما استاد اظهار می کند هر موضوعی که مطرح می شود باید بر قرآن و روایات عرضه شود تا نظر اسلام درباره آن موضوع مشخص شود:

«وقتی موضوعی از نظر قرآن طرح می شود از آن جهت که قرآن از عترت جدا نیست و عترت هم از قرآن منفک نیست، قهراً آن موضوع، از نظر قرآن و عترت مطرح خواهد بود و چون اسلام به صورت قرآن و عترت ظهور می کند، بنابراین بحثی را که قرآن و عترت ارائه دهد، در واقع اسلام ارائه داده است.»^{۷۸}

۶. هدف از تفسیر موضوعی : کشف دیدگاه اسلام

دریافت دیدگاه اسلام در آوردن موضوع منتخب، مشخصه غایی تفسیر موضوعی از دیدگاه استاد جوادی آملی به شمار می آید.

اما در مجموعه تفسیر موضوعی ایشان، جریان غالب، تحلیل و تبیین یک موضوع در ابعاد و وجوه متعدد آن است، در واقع تلاش مفسر این بوده که از رهگذر آیات و روایات نگرشی همه جانبه از موضوع منتخب ارائه دهد. بدین روی هر موضوعی از وجوه و زوایای گوناگون مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته تا از هر حیث تبیین شود. به طوری که برخی موضوعات به دلیل نگاه جامع مفسر و پرداختن به ابعاد و جزئیات و ویژگی های متعدد موضوع، دو جلد از این مجموعه را به خود اختصاص داده است؛ مثلاً جلد چهارم و پنجم به تحلیل و تفسیر معاد در قرآن اختصاص یافته و سیره پیامبران در قرآن در جلد های ششم و هفتم تبیین شده است و

بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین رویداد در تفسیر ایشان، تحلیل و تبیین جامع یک موضوع از نگاه آیات و روایات است. هرچند ایشان معتقد است که هدف از طی مراحل شش‌گانه تفسیر موضوعی، استنباط یک مطلب از نگاه آیات و روایات است؛ به عبارت دیگر، مقصد تفسیر موضوعی، شناخت منظر اسلام درباره یک موضوع است؛ اما در مقام عمل، این‌گونه نیست که در پایان هر جلد و پس از تحلیل موضوع و ویژگی‌های آن از دریچه آیات و روایات و جمع‌بندی نتایج به‌دست‌آمده از آن‌ها، دیدگاه کلی اسلام را درباره آن موضوع ارائه دهد.

گرچه در مواردی با عبارت «از نگاه قرآن» یا «از نظر اسلام» ... موضع قرآن یا اسلام درباره بعدی از ابعاد موضوع گزارش می‌شود؛ مثلاً در تفسیر جامعه در قرآن، نگاه وحی یا اسلام درباره برخی ریز موضوعات بیان شده است؛ زندگی اجتماعی از نگاه قرآن، مفهوم جامعه در قرآن، حیات انسان در اسلام، آزادی در جامعه اسلامی.^{۷۹}

بنابراین مفسر با این پیش‌فرض‌ها، قدم به وادی تفسیر موضوعی گذاشته که برای موضوع منتخب و ابعاد گوناگون آن، مسائل و پرسش‌هایی مطرح است که با ابزار قرآن و سنت می‌توان پاسخ‌هایی برای آن‌ها دریافت نمود.

همچنین با نگاه فراشمول و مجموعی به آیات و روایات، تبیین و تحلیل یک موضوع عمیق‌تر و صحیح‌تر صورت می‌گیرد. البته در مواردی هرچند اندک می‌توان دیدگاه کلی اسلام را درباره موضوع موردنظر، در این تفسیر یافت؛ یکی از آن موارد، در تفسیر «فطرت در قرآن» است که می‌نویسد:

«بررسی کامل آیات و روایات فطرت نشان می‌دهد که بین انسان و معرفت الله و عبادت حق، گرایش وجودی و تکوینی برقرار است و چون این گرایش آگاهانه است پس بینش دینی و گرایش عبادی، شهودی و حضوری است و این کشش الهی همان محبت دینی است و لذا هرگز نمی‌توان معارف دین را تحمیل بر انسان پنداشت.»^{۸۰}

۷. روش استاد در تفسیر موضوعی

پس از شناخت مراحل تفسیر موضوعی از منظر استاد به تطبیق مراحل پیش‌گفته با شیوه کار ایشان در متن تفسیر موضوعی، پرداخته می‌شود تا معلوم گردد، دیدگاه‌های نظری مفسر محترم با تلاش‌های عملی ایشان تا چه اندازه همسویی دارد؟ از آنجاکه انتخاب موضوع یکی از مهم‌ترین مراحل تفسیر موضوعی است لازم دانستیم درباره این مرحله مطالبی گفته شود.

۱۹۲

۷-۱. دامنه موضوعات

سبک قرآن، آمیختگی موضوعات است، یعنی در عین حال که جامع همه معارف و حقایق اسماء و صفات حق تعالی و جامع اخلاق و دعوت به مبدء و معاد و زهد و عدم دل‌بستگی به دنیا و ... است؛ اما گستره معارف آن به صورت پراکنده، در آیات و سوره‌های مختلف، جای گرفته است و مانند کتاب‌های بشری دسته‌بندی و فصل‌بندی شناخته‌شده‌ای ندارد.

امام خمینی رحمه الله بر آن است که این ویژگی حاکی از قدرت کامل خداوند متعال است که برای بیان مراد و غرض خود به نظم کتاب‌های بشری محتاج نبوده‌است.^{۸۱}

اما مفسران موضوعی به دلایلی از جمله کمبود وقت جوانان، برای فراگیری معارف قرآن و همچنین عرضه معارف قرآن به صورت سامانمند و منظم، در مقابل نظام‌ها و مکاتب فکری دیگر، معارف قرآن را در ذیل موضوع خاص دسته‌بندی و فصل‌بندی کرده‌اند.^{۸۲}

از این رو انتخاب موضوع، گامی است که باید در بدو امر برداشته شود، با این حال استاد جوادی آملی در مراحل شش‌گانه روش تفسیر موضوعی، جایی برای آن در نظر نگرفته است.

اکنون پرسش آن است که چه موضوعاتی با چه ویژگی‌هایی در این مجموعه انتخاب شده‌اند؟ انگیزه و علت انتخاب موضوعات چه بوده است؟ انتظار مفسر از دین و تأثیر آن در انتخاب موضوعات چگونه نمود پیدا کرده است؟ و از نظر وی «تبیان کل شیء» بودن

حسنا

سال هفتم، شماره بیست و چهارم، بهار ۱۳۹۴

قرآن به چه معناست؟

۷-۱-۱. معرفی اجمالی هجده جلد تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی

گفتنی است این مجموعه هجده جلدی در موضوعات زیر سامان یافته است:

جلد اول، تفسیر قرآن در قرآن: این جلد به معرفی و شناخت این کتاب الهی و برخی مبانی فهم آن پرداخته است. جلد دوم، توحید در قرآن: در این جلد پس از طرح مباحث کلی توحید، ابعاد مختلف موضوع را در سه بخش: قرآن و راه‌های شناخت خدا، مراتب توحید و نفی شرک مطرح می‌کند.

جلد سوم، وحی و نبوت در قرآن: در یک مقدمه و سه بخش که عبارت‌اند از: وحی، نبوت عام و نبوت خاص.

جلد چهارم و پنجم، معاد در قرآن: این دو جلد در نگاهی جامع به زوایای متعدد موضوع، مطالب خود را در دوازده بخش سامان داده است.

جلد ششم و هفتم، سیره پیامبران در قرآن: این دو جلد شامل بیست و دو بخش است که سیره پیامبران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جلد هشتم و نهم، سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن: در یک مقدمه و ده بخش تفسیر شده است.

جلد دهم، مبادی اخلاق در قرآن: این کتاب عهده‌دار تبیین برخی از مبادی اخلاق از منظر وحی است و در بخش یکم از رابطه جهان‌بینی و اخلاق و در بخش دوم از رابطه انسان و اخلاق و در بخش سوم درباره اهمیت و آثار اخلاق بحث می‌کند. بخش پایانی کتاب نیز عنایت علمی و عملی فرزندان بشری به اخلاق را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

جلد یازدهم، مراحل اخلاق در قرآن: این جلد شامل سه بخش به شرح زیر است: بخش اول: موانع نظری و عملی سیر و سلوک، بخش دوم: مراحل مانع‌زدایی از سیر و سلوک، بخش سوم: مقامات عارفان و مراحل سیر و سلوک. جلد دوازدهم، فطرت در قرآن: که با

نگاهی فراشمول موضوع فطرت را در سه بخش: مبادی و کلیات فطرت، فطری بودن بینش و گرایش به خدا و دین در قرآن، عوامل و موانع شکوفایی فطرت در انسان، تفسیر می‌کند. جلد سیزدهم، معرفت‌شناسی در قرآن: در یک مقدمه گسترده و عمیق و چهارده فصل ابعاد مختلف این موضوع را مطرح نموده است.

جلد چهاردهم، صورت و سیرت انسان در قرآن: در یک مقدمه و دو بخش، بخش اول: صورت آدمی در کتاب الهی (مبادی سه‌گانه انسان در قرآن)، بخش دوم: سیرت الهی انسان در قرآن کریم.

جلد پانزدهم، حیات حقیقی انسان در قرآن: بخش اول: ترسیم نهایی انسان بر اساس حکمت نظری و عملی قرآن، بخش دوم: سیری کوتاه در برخی از نظرات انسان‌شناختی. جلد شانزدهم، هدایت در قرآن که در پنج بخش، نگاهی جامع به این موضوع داشته است. جلد هفدهم، جامعه در قرآن: در شش بخش کلیات، ساختار جوامع انسانی، اسلام آیین زندگی، جامعه در قرآن، اسلام و جامعه، موانع و راهکارها، اسلام در جهان معاصر، تنظیم شده است.

جلد هجدهم، ادب توحیدی انبیاء در قرآن: در دو بخش کلیات و بررسی تطبیقی ادب انبیاء در قرآن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۷-۲. موضوع‌های درون‌متنی سال جامع علوم انسانی

در یک تقسیم‌بندی، موضوعات انتخابی در دودسته درون‌متنی و برون‌متنی جای می‌گیرند. موضوعات درون‌متنی از نص قرآن انتخاب می‌شوند و موضوعات برون‌متنی از متن جامعه‌گزینش می‌شوند و در واقع پرسش‌های برخاسته از تجربه بشری هستند.^{۸۳}

ایشان در انتخاب موضوع به نص قرآن مراجعه نموده و موضوعات را از قرآن گرفته و به ساحت قرآن عرضه نموده است. موضوعاتی مانند «توحید در قرآن»، «معاد در قرآن»، «وحي و نبوت در قرآن» و ... در زمره موضوعات درون‌متنی هستند که در مجموعه

تفسیری ایشان محور بحث قرار گرفته‌اند. برخی موضوعات دیگر نیز در این مجموعه به چشم می‌خورند که گرچه درون دینی‌اند؛ اما در میدان مباحث علمی و آرای گوناگون بشری هم مطرح‌اند. برای نمونه، موضوعاتی چون معرفت‌شناسی، جامعه‌شناسی و فطرت از این دسته به شمار می‌روند که با اهتمام به دانش‌های عصر انتخاب شده‌اند؛ اما انگیزه ایشان از انتخاب موضوعات درون‌متنی از این باور نشأت گرفته است که بیشتر معارف قرآن کریم، در سه محور مبدأ، معاد و راه خلاصه می‌شود: «قرآن کریم به سه مسئله ریشه‌ای و اعتقادی، بیشتر از سایر مسائل می‌پردازد و چنین بیان می‌دارد که نظام هستی را مبدئی است که جهان از آنجا شروع شده و معادی است که سرانجام حرکت جهان به آن سمت منتهی می‌شود، یعنی رسالت که راه اصل، بین آغاز و انجام است و تمام معارف دین با واسطه یا بی‌واسطه به همین سه بخش برمی‌گردد...»^{۸۴}

اما درباره انتخاب موضوعاتی که جریان‌های فکری به ویژه مکاتب مادی‌گرا پیرامون آن‌ها اظهار نظر کرده‌اند، به نظر می‌رسد علل دیگری نیز دخیل باشد؛ مثلاً مسئله شناخت یا معرفت‌شناسی از جمله موضوعاتی است که تصور می‌شود انگیزه مفسر از انتخاب موضوع کشف دیدگاه اسلام، برای پاسخ به جریان‌های فکری وارداتی و جدید غرب پیرامون این مسئله بود، که در دوره‌ای از حیات مفسر در جامعه ترویج داشت. بنابراین مباحثی که استاد مطرح کرده‌اند به مسائل جدید شکاکیت و نسبییت نظر دارد تا با ارائه نگره قرآنی - اسلامی، در باب معرفت‌شناسی، بر روی همه جریان‌های معرفتی نوین مخالف قرآن، خط بطلانی بکشد.

موضوع فطرت که یکی از موضوعات بحث‌انگیز در میان مکاتب فکری و فرهنگی است و در سایه رشد علوم انسانی و پیدایش نگرش‌های جدید انسان‌شناختی مطرح شده است، از موضوعات انتخابی مفسر است. بنابراین هدف مفسر از انتخاب چنین موضوعاتی - که از مسائل روز یا مسائل مطرح در جوامع و مکاتب فکری هستند - کشف دیدگاه اسلام و میزان و مبنا قرار دادن آن در مقابل سایر دیدگاه‌هاست.

۱-۷-۳. کلی بودن عنوان موضوعات

در انتخاب موضوع بهتر است از موضوعات گسترده و کلی پرهیز شود؛ زیرا امروزه تحدید دقیق تر مفهومی موضوع یا مسئله، نقطه مثبتی برای هر پژوهش محسوب می‌شود، از این رو، به جای انتخاب موضوعی مثل «معاد» مناسب تر آن است که یکی از ریز موضوعات مثل «براهین معاد» یا «حیات برزخی» و ... به شیوه موضوعی، تفسیر شود. مگر اینکه مفسر بخواهد تفسیر موضوعی جامعی از قرآن ارائه دهد، در این صورت انتخاب موضوع کلی و بیان همه حوزه‌ها و ابعاد مختلف آن در ذیل عنوان کلی مناسب تر است.^{۸۵}

استاد جوادی آملی هم از آنجاکه درصدد ترسیم تصویر جامعی از یک موضوع بوده، موضوعات را با عناوین کلی و بدون قید ذکر کرده است. بدین صورت که یک موضوع کلی مثل توحید یا معاد یا جامعه از ناحیه ایشان انتخاب شده و در تفسیر به عناوین فرعی یا موضوعات خردتر تقسیم شده‌اند. در نتیجه مباحث متعدد و متنوعی حول یک موضوع کلی گردآمده است. توضیح بیشتر اینکه هر موضوع منتخب، آموزه‌ها و معارف بی‌شماری را به همراه دارد که از سراسر قرآن کریم جمع‌آوری شده و با روایات معصومین علیهم‌السلام پرورش یافته و به صورت مجموعه‌ای منسجم تدوین یافته است. به طوری که برخی جلد‌های این مجموعه تفسیری، در حد خود از جامع‌ترین و کامل‌ترین آثار تدوین شده هستند.

۱-۷-۴. انتظار مفسر از دین و نقش آن در انتخاب موضوع تفسیری

انتظار بشر از دین به فلسفه دین و کلام جدید بازمی‌گردد^{۸۶} و مراد آن است که انتظار پاسخگویی دین به چه مسائلی را داشته باشیم؟ به عبارت دیگر دین در کدام حوزه‌ها پاسخگوی نیازهای انسان است؟ آیا علم به همه چیز در قرآن کریم آمده است؟ بر اساس دیدگاه استاد، همه حقایق جهان و همه علوم و معارف در تمام حوزه‌های تجربی، ریاضی، فلسفی و ... در مرحله نازل قرآن کریم که به صورت عربی فرود آمده، بیان نشده است؛ اما در «ام‌الکتاب» که باطن قرآن و مرحله والای آن است، تمام حقایق نهفته است.^{۸۷}

همچنین تلقی استاد از جامع بودن قرآن، جامعیت آن در راستای رسالت هدایتگری انسان است: «... قدر مسلم آن است که آنچه در سعادت انسان دخالت دارد، در قرآن آمده است.»^{۸۸}

از دیدگاه ایشان، قرآن کریم به مسائل و موضوعات علمی در محدوده فلسفه و هدف اصلی خود پرداخته است؛^{۸۹} اما چون «کار اصلی قرآن و عترت علیهم السلام تربیت انسان‌هاست نه بازگویی مسائل طبیعی و علمی...»^{۹۰} از این روی، ایشان تاکنون موضوعاتی را انتخاب و بر قرآن عرضه نموده که باهدف اصلی قرآن همخوانی دارد و موضوعاتی که به‌ویژه در حیطه علوم تجربی هستند، در این مجموعه مطرح نشده است.

نتایج:

- تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی، از نمونه‌های برجسته و جامع این روش تفسیری به شمار می‌رود، که با نگاهی فراشمول، بستر تفسیر موضوعات اعتقادی و اخلاقی قرار گرفته است.

- تفسیر و تحلیل موضوع منتخب در ابعاد و زوایای گوناگون، رویکرد غالب در این مجموعه است که فرایند مزبور با فراهم آوردن آیات هم‌مضمون از سرتاسر قرآن و دسته‌بندی و بحث و بررسی آنها با اصول و قواعد تفسیری، سامان یافته است، البته هر چند اصلی‌ترین منبع مفسر، قرآن کریم بوده است؛ اما حجم وسیع روایات در این مجموعه، از عنایت مفسر به نقل اصغر پرده بر می‌دارد.

- اعتقاد به توانمندی و جامعیت قرآن در تبیین موضوعات، انسجام محتوایی آیات، محوریت قرآن در تفسیر موضوع، قرآن میزان حق و باطل، تفسیر ترتیبی پشتوانه تفسیر موضوعی، از مبانی این مفسر شیعی، در این عرصه تفسیری به شمار می‌رود.

- رویکرد عرفانی - فلسفی استاد جوادی آملی، در چگونگی انتخاب موضوعات و تفسیر و تبیین آنها تأثیرگذار بوده است، مباحث اخلاقی با جنبه تربیتی در تفسیر موضوعی ایشان

برجسته است.

پی نوشت‌ها:

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۸۹.
۲. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی-فارسی، ص ۸۸۲.
۳. مسلم، مصطفی، مباحث فی التفسیر الموضوعی، ص ۱۶.
۴. صدر، محمدباقر، مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن ص ۲۰.
۵. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۱، ص ۲۱.
۶. الرومی، فهد بن عبدالرحمان بحوث فی اصول التفسیر و مناہجه، ص ۶۲.
۷. خولی، امین، مقاله تفسیر، دائره المعارف الاسلامیه ج ۵، ص ۳۶۸.
۸. نک به: مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۹۴-۱۱۰.
۹. مسلم، مصطفی، مباحث فی التفسیر الموضوعی ص ۱۹.
۱۰. خرمشاهی، بهاء‌الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۹.
۱۱. خولی، امین، مقاله تفسیر، دائره المعارف الاسلامیه، ج ۵ ص ۳۶۸.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، ص ۵۹.
۱۳. نک به: صدر، مجموعه آثار، مقاله التفسیر التجزئی و الموضوعی، ج ۱۳ ص ۲۷ به بعد.
۱۴. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۰۲.
۱۵. ربانی گلبایگانی، علی، هرمنوتیک و منطق فهم، ص ۳۳۵.
۱۶. یعنی نوعی ارتباط معنایی میان آیات قرآن است که می‌توان در فهم و تفسیر برخی آیات، از آیات دیگر کمک گرفت.
۱۷. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱، ص ۳۹۴.
۱۸. استاد جوادی آملی می‌گوید: «محتوای آیه مزبور این است که از یک سو سراسر آیات قرآن مجید شبیه، همسان و همتای هم است و از سوی دیگر منثنی، منعطف و متمایل به هم است، معنای اُتِنَاء، انعطاف و گرایش مطالب یک کتاب علمی، این است که هر کدام از مطالب با دیگری مشروح یا مشروح تر و روشن یا روشن تر می‌گردد. چنین کتابی که همه آیات آن به هم گرایش دارد، حتما مفسر و مبین همدیگر و شارح داخلی خویش است.» (تسنیم، ج ۱، ص ۶۷).
۱۹. سعیدی روشن، محمد باقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، ص ۴۲۴.

۲۰. جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ص ۵۰-۴۹.

۲۱. همو، تسنیم، ج ۱ صص ۱۵۳ و ۱۵۴.

۲۲. از جمله استفاده اهل بیت علیهم السلام از روش تفسیر قرآن به قرآن در تفسیر آیات ۲۱۹ و ۲۲۰ سوره بقره از مواردی است که مورد توجه استاد جوادی قرار گرفته و آن را گوشزد نموده است. نیز نک به: «تفسیر موضوعی، ج ۱۱، ص ۹۵».

۲۳. جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ج ۱۴، ص ۱۴۶.

۲۴. همان.

۲۵. استاد جوادی آملی می‌نویسد: «قرآن نور محض است و بین بالذات است و نه تنها خود واضح و روشن است، بلکه مبین و تبیان همه چیز است. وظیفه رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن است که چشم مردم را بینا کند تا نور آشکار قرآن را ببینند.» (تفسیر موضوعی قرآن، ج ۱، ص ۳۸۲).

۲۶. به نظر می‌رسد در موضوعاتی مثل سیره انبیاء یا ادب توحیدی انبیاء، دلیل حضور کم رنگ روایات، ترس از به دام افتادن در اسرائیلیات - یعنی روایات و داستان‌های باطل نقل شده از اهل کتاب - باشد که حجم بسیاری از این روایات درباره زندگی پیامبران است.

۲۷. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱، ص ۲۶۲.

۲۸. همان، ج ۱۳، ص ۲۶۲.

۲۹. مصاحبه با حجه الاسلام سید محمد موسوی خوئینی‌ها، مجله حوزه، شماره ۳۷-۳۸، بهار ۱۳۶۹، ص ۷۳.

۳۰. جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ص ۵۰-۴۹.

۳۱. ۱. نک به: جلیلی، سید هدایت، تفسیر موضوعی، چیستی، بنیان‌ها و پیش فرض‌ها، ۱۳۸۷، صص ۱۷۵-۱۹۵.

۳۲. ۱. جوادی آملی، زن در آینه جمال و جلال، ص ۶۰.

۳۳. همو، همان.

۳۴. نک به: مجله حوزه، ص ۷۴.

۳۵. معمولاً برخی واژگان کلیدی که در فهم بهتر موضوع سود می‌رسانند، مورد بررسی لغوی قرار گرفته اند، برای نمونه؛ در تفسیر «سیره پیامبران در قرآن» در «سیره حضرت صالح علیه السلام» یکی از آیات مرتبط با بحث، آیه ۱۵۳ سوره شعرا «قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ» است که واژه «مُسَحَّر» را در این آیه واکاوی لغوی می‌کند؛ «کلمه مُسَحَّر که در آیه ۱۵۳ سوره شعراء آمده است یا به معنای

کسی است که به طور مکرر مورد سحر واقع شده، مسحور کامل است تا مبالغه را بفهماند و یا به معنای کسی است که دارای «سحر» است و سحر بالای شکم و زیر سینه است که سینه از طرف پایین به «سحر» و از طرف بالا به «نحر» محدود است از این رو برای اشاره به صدر گفته می‌شود: «بین سحری و نحری» و یا به معنای کسی است که دارای «سحاره» یعنی رئه است که بنابر دو معنای اخیر کنایه از بشری است که نیازمند به غذا و متنفس است؛ یعنی تو یک فرد عادی هستی، نظیر آنچه درباره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گفته می‌شد: «ما لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ» و گاهی کلمه مُسْحَر به معنای کسی که رئه او زایل شده، استعمال می‌شود. به هر تقدیر یا مترادف آیه بعدی است که در آن چنین آمده: «مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا» و یا به معنای مسحور است که طاغیان حجاز به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌گفتند...» (جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ج ۶، ص ۳۴۸-۳۴۷) ملاحظه می‌شود که معناشناسی واژه «مسحر» در آیه مزبور به تبیین موضوع و فهم بهتر آن کمک می‌کند.

۳۶. جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ج ۲، ص ۷۴-۷۵؛ ج ۴، ص ۱۸۶؛ ج ۳، ص ۱۹۷ و ...

۳۷. همان، ج ۱، ص ۲۲۵؛ ج ۴، ص ۱۹۱؛ ج ۷، ص ۱۵۶ و ...

۳۸. همان، ج ۲، ص ۳۹۲-۳۹۱؛ ج ۱، ص ۲۴۴؛ ج ۳، ص ۴۹۶-۴۹۵ و ...

۳۹. همان، ج ۴، ص ۲۷؛ ج ۱۲، ص ۲۸۵؛ ج ۱۸، ص ۱۱۷ و ...

۴۰. همان، ج ۲، ص ۷۴ و ۲۷۲؛ ج ۳، ص ۲۱۷؛ ج ۶، ص ۱۵۷-۱۵۶؛ ج ۷، ص ۱۱۱ و ۱۳۵ و ...

۴۱. همان، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ ج ۴، ص ۱۱۳-۱۱۳؛ ج ۵، ص ۲۰۱ و ...

۴۲. همان، ج ۱۸، ص ۱۷۱؛ ج ۴، ص ۱۹۱؛ ج ۱۷، ص ۱۷۵ و ...

۴۳. همان، ج ۳، ص ۱۴۵-۱۳۵.

۴۴. همان، ج ۱۷، ص ۲۵۳-۲۱۷.

۴۵. همان، ج ۲، ص ۶۹۱؛ ج ۶، ص ۵۳؛ ج ۹، ص ۱۲۶-۱۲۵؛ ج ۱۷، ص ۴۰ و ۳۹۴ و ...

۴۶. برای آگاهی بیشتر رک: بابایی، ۱۳۸۷ ج ۱، ص ۲۰-۱۸.

۴۷. معرفت، ۱۳۸۵ ج ۲، ص ۵۳۶.

۴۸. مقاله اصول کلی شناخت قرآن، سایت اسراء.

۴۹. جوادی آملی، حیات عارفانه امام علی علیه السلام، ص ۲۸.

۵۰. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۲، ص ۳۵-۳۲.

۵۱. همان، ج ۱۳، ص ۱۱۵.

۵۲ برای نمونه؛ گاهی در فهم آیات گزینش شده گرایش عرفانی دیده می‌شود: (همان، ج ۹، ص ۹۹-۹۸؛ ج ۷، ص ۶۸؛ ج ۶، ص ۲۶۶-۲۶۵؛ ج ۱۳، ص ۲۹۷ و ...)؛ و رویکرد عرفانی در تبیین موضوع و ابعاد آن تأثیرگذار بوده است؛ مثلاً جلد یازدهم با عنوان «مراحل اخلاق در قرآن» با رویکرد کاملاً عرفانی، تدوین یافته است. کتاب فوق در سه بخش، با عناوین «موانع نظری و عملی سیر و سلوک»، «مراحل مانع‌زدایی از سیر و سلوک» و «مقامات عارفان و مراحل سیر و سلوک» سامان یافته، که نقشه جامعی از عرفان عملی و وحیانی را پیش‌روی سالک و عارف قرار می‌دهد؛ و گاهی در تفسیر یک آیه از اصطلاحات و زبان ویژه فلسفه استفاده می‌کند. (همان، ج ۲، ص ۲۶۴-۲۶۳) و گاهی روایت مرتبط با موضوع را با صبغه فلسفی توضیح می‌دهد. (همان، ج ۸، ص ۹۳-۸۵) گاهی در تبیین موضوع یا وجهی از وجوه آن، به دیدگاه حکما و فیلسوفان تمسک می‌جوید. (همان، ج ۱۷، ص ۲۸ و ...).

۵۳ به نظر می‌رسد مراد از تسلط و اشراف بر تمام آیات الهی، آگاهی عمیق و دقیق مفسر نسبت به کلام الهی است که در اثر انس قلبی و علمی، در حد توان بشری برای او حاصل می‌شود.

۵۴ زن در آینه جلال و جمال، ص ۶۱.

۵۵ زارعی، حبیب‌الله، قواعد فهم قرآن، فصلنامه معرفت، شماره ۴۲، بهار ۱۳۷۷، ص ۴۱.

۵۶ زن در آینه جلال و جمال، ص ۶۱.

۵۷ جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۲، ص ۱۵۶.

۵۸ همان، ج ۱۷، ص ۲۱۷.

۵۹ همان، ج ۳، ص ۲۱۵-۲۱۴.

۶۰ همان، ص ۲۲۴.

۶۱ همان، ص ۲۲۵-۲۲۴.

۶۲ همان، ج ۱۷، ص ۴۸۷.

۶۳ مثلاً در مبحث «انواع هدایت» این آیات را گواه می‌آورد که پیوند لفظی و محتوایی با موضوع دارند:

طه: ۵۱، حج: ۴، صافات: ۲۳، انسان: ۳، بلد: ۱۰، اعراف: ۳۰، انعام: ۷۷، نحل: ۳۶، بقره: ۱۶ و ...

۶۴ همان، ج ۱۲، ص ۷۵.

۶۵ تسنیم، ج ۱، ص ۱۵۳.

۶۶ جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ص ۶۱.

۶۷ همان، ص ۶۲.

۶۸. جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ج ۲، ص ۱۹۶-۱۹۲.
۶۹. همان، ج ۳، ص ۲۲۷-۲۲۹؛ مثال‌های دیگر؛ ج ۴، ص ۱۸۶-۱۸۳؛ ج ۱۱، ص ۳۴۴-۳۴۹؛ ج ۹، ص ۱۳۰-۱۲۵.
۷۰. همان، ج ۳، ص ۳۴۵؛ ج ۴، ص ۲۹۳-۲۹۲؛ ج ۱۲، ص ۸۳ و ...
۷۱. همان، ج ۱۰، ص ۶۹-۶۸؛ ج ۴، ص ۱۱۳-۱۱۲ و ۴۰۶ و ...
۷۲. همان، ج ۸، ص ۲۹۷؛ ج ۴، ص ۴۳۷؛ ج ۱۷، ص و ... ۳۴۰.
۷۳. همو، تسنیم، ج ۱، ص ۶۷.
۷۴. همان، ج ۳، ص ۳۴۵؛ ج ۴، ص ۲۹۳-۲۹۲؛ ج ۱۲، ص ۸۳ و ...
۷۵. همان.
۷۶. جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ص ۶۲.
۷۷. الرومی، فهد بن عبدالرحمان، بحوث فی اصول التفسیر و مناہجہ ص ۶۲.
۷۸. جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ص ۶۳.
۷۹. همان، ج ۱۷، ص ۳۱ و ۳۴ و ۱۷۱ و ۴۶۷ و ...
۸۰. همان، ج ۱۲، ص ۲۷۸.
۸۱. امام خمینی، روح الله، صحیفه نور ج ۲، ص ۱۵۶.
۸۲. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن مقدمه.
۸۳. محمدی، ابوطالب، منابع و روشهای تفسیر موضوعی در سده چهاردهم، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷ و ۸، ص ۱۵۹.
۸۴. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۲، ص ۲۳.
۸۵. نصیری، علی، مبانی کلامی تفسیر موضوعی، ص ۹۸.
۸۶. پس از ظهور اسلام و پیدایش علم کلام، متکلمان اسلامی مسئله انتظار بشر از دین را در مباحث نبوت عام مطرح کردند؛ زیرا در بحث نبوت عام اثبات می‌شود که به حکم عقل مستقل، انسان هرگز نمی‌تواند بدون وحی و رسالت، زندگی سعادت‌مندان‌ای داشته باشد. (جوادی آملی، انتظار بشر از دین، ص ۲۳).
۸۷. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، ص ۲۲۶-۲۲۵.
۸۸. همان، ص ۱۳۶.
۸۹. همان، ص ۴۴۴.

منابع:

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲. الرومی، فهد بن عبدالرحمان بحوث فی اصول التفسیر و مناہجه، مکتبه التوبه، ۱۴۱۹ق.
۳. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، قم، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
۴. جلیلی، سید هدایت، تفسیر موضوعی، چپستی، بنیان‌ها و پیش فرض‌ها، قم، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷.
۵. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، تحقیق محمدرضا مصطفی پور، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۶.
۶. _____، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۲.
۷. _____، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۵.
۸. _____، حیات عارفانه امام علی علیه السلام، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۰.
۹. _____، زن در آینه جلال و جمال، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۵.
۱۰. _____، مقاله اصول کلی شناخت قرآن، سایت اسراء.
۱۱. خرمشاهی، بهاء‌الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، کیهان، ۱۳۶۴.
۱۲. خمینی، روح‌الله صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۳. خولی، امین، مقاله تفسیر، دائره المعارف الاسلامیه، تهران، انتشارات جهان، ۱۹۳۳م.
۱۴. ربانی گلبایگانی، علی، هرمنوتیک و منطق فهم، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۸۳.
۱۵. زارعی، حبیب‌الله، قواعد فهم قرآن، فصلنامه معرفت، شماره ۴۲، بهار ۱۳۷۷.

۱۶. سجادی، سید ابراهیم، شکوفایی تفاسیر موضوعی در بستر قرن اخیر، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۸ و ۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۵.
۱۷. سعیدی روشن، محمد باقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
۱۸. صدر، محمد باقر، مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن، بیروت-کویت، دارالتوجیه الاسلامی، ۱۴۰۰ ق.
۱۹. _____، الإتجاهات الموضوعی و التجزئی فی تفسیر القرآن، بیروت الدارالعالمیه ۱۴۱۴ ق.
۲۰. محمدی، ابوطالب، منابع و روشهای تفسیر موضوعی در سده چهاردهم، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۸ و ۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۵.
۲۱. مسلم، مصطفی، مباحث فی التفسیر الموضوعی، دمشق، دارالقلم، ۲۰۰۰ م.
۲۲. مصاحبه با حجه الاسلام سید محمد موسوی خوئینی‌ها، مجله حوزه، شماره ۳۷-۳۸، بهار ۱۳۶۹.
۲۳. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۳.
۲۴. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، قم، انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۵.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، انتشارات نسل جوان، قم، بی تا.
۲۶. مهیار، رضا (معاصر)، فرهنگ ابجدی عربی-فارسی (ترجمه المنجد الابدی)، بی جا، انتشارات اسلامی، بی تا.
۲۷. معرفی کتاب: «معرفت‌شناسی در قرآن»، مجله ذهن، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹.
۲۸. نصیری، علی، مبانی کلامی تفسیر موضوعی، مجله اندیشه نوین دینی، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۴.